

جایگاه عبدالعظیم حسنی(ع) در نزد ائمه

ستایشهایی که ائمه از حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) به عنوان یکی از راویان حدیث و علمای شیعه مطرح کرده اند، گویای شخصیت علمی و مورد اعتماد اوست؛ چنان که امام هادی(ع) گاهی افرادی را که سؤال و مشکلی داشتند، به او ارجاع می‌فرمود و از او به عنوان دوست حقیقی اهل بیت(ع) یاد کرده است.



ستایشهایی که ائمه از حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) به عنوان یکی از راویان حدیث و علمای شیعه مطرح کرده اند، گویای شخصیت علمی و مورد اعتماد اوست؛ چنان که امام هادی(ع) گاهی افرادی را که سؤال و مشکلی داشتند، به او ارجاع می‌فرمود و از او به عنوان دوست حقیقی اهل بیت(ع) یاد کرده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، چهارم ربیع الثانی مصادف است با سالروز ولادت حضرت عبدالعظیم حسنی که از محدثان برجسته شیعه به شمار می‌رود. حضرت عبدالعظیم(ع)، از نوادگان امام حسن مجتبی(ع) که نسبش با چهار واسطه به آن حضرت می‌رسد، در سال 173 ق در مدینه به دنیا آمد و طی مدت 79 سال عمر با برکت، چهار امام بزرگوار را درک نمود: امام موسی کاظم، امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم‌السلام، و از سه امام آخر احادیث فراوانی روایت کرده است.

حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) از دانشمندان شیعه و از راویان حدیث ائمه و از شخصیت‌های بارز و محبوب و مورد اعتماد اهل بیت و پیروانشان بود و در مسائل دین، آگاه و از معارف مذهبی و احکام قرآن، شناخت و معرفتی وافر داشت. ستایشهایی که ائمه از وی به عمل آورده‌اند، نشان‌دهنده شخصیت علمی و مورد اعتماد اوست؛ چنان که امام هادی(ع) گاهی اشخاصی را که سؤال و مشکلی داشتند، راهنمایی می‌فرمود که از آن جناب بپرسند و او را از دوستان حقیقی خویش می‌شمرد و معرفی می‌فرمود.

در آثار علمای شیعه نیز تعریفها و ستایشهای عظیمی درباره ایشان به چشم می‌خورد. آنان از او به عنوان عابد، زاهد، پرهیزگار، ثقه، نیک‌اعتقاد و دارای صفای باطن و به عنوان محدثی عالی مقام و بزرگ یاد کرده‌اند. در روایات متعددی نیز برای زیارت ایشان، ثوابی همچون ثواب زیارت امام حسین(ع) بیان شده است.

هجرت به ری

زمینه‌های مهاجرت آن حضرت از مدینه به ری و سکونت در غربت را باید در اوضاع سیاسی و اجتماعی آن عصر جست. خلفای عباسی نسبت به خاندان پیامبر(ص) و شیعیان بسیار سختگیری می‌کردند. یکی از بدرفتارترین خلفا، متوکل بود که خصومت شدیدی با اهل بیت داشت و تنها در دوره او چندین بار مزار حسینی را در کربلا تخریب و با خاک یکسان ساختند و از زیارت آن بزرگوار جلوگیری به عمل آوردند. سادات و علویان در زمان او در بدترین وضع به سر می‌بردند.

حضرت عبدالعظیم نیز از کینه و دشمنی خلفا در امان نبود و بارها تصمیم به قتلش گرفتند و گزارشهای دروغ سخن‌چینان را بهانه این سختگیری‌ها قرار می‌دادند. در چنین دوران دشوار و سختی بود که آن حضرت به خدمت امام هادی(ع) رسید و عقاید دینی خود را عرضه کرد که مورد تأیید قرار گرفت و امام فرمودند: «تو از دوستان ما هستی.»

دیدار ایشان در سامرا با امام هادی(ع) به خلیفه گزارش داده شد و دستور تعقیب و دستگیری‌اش صادر گشت. او نیز برای مصون ماندن از خطر، در شهرهای مختلف به صورت ناشناس رفت و آمد می‌کرد و شهر به شهر می‌گشت تا به ری رسید و آنجا را برای سکونت برگزید. علت این انتخاب به وضعیت دینی و اجتماعی ری در آن عصر برمی‌گردد که وقتی اسلام به شهرهای مختلف ایران وارد شد، از همان آغاز «ری» یکی از مراکز مهم سکونت مسلمانان شد و اعتبار و موقعیت خاصی پیدا کرد و در بخش جنوب و جنوب غربی‌اش، بیشتر شیعیان ساکن بودند.

ماجرای وقف باغ عبدالجبار برای دفن حضرت عبدالعظیم پیش از مرگ

حضرت عبدالعظیم(ع) به صورت ناشناس وارد ری شد و در «محلّه ساربانان» به منزل یکی از شیعیان رفت. مدتی به همین صورت گذشت. او در زیرزمین آن خانه به سر می‌برد و کمتر خارج می‌شد. روزها را روزه می‌گرفت و شبها به عبادت می‌پرداخت و تعداد کمی از شیعیان او را می‌شناختند و از حضورش در ری خبر داشتند و مخفیانه به زیارتش می‌شتافتند و می‌کوشیدند که این خبر فاش نشود و خطری جان حضرت را تهدید نکند. پس از مدتی، افراد بیشتری او را شناختند و خانه‌اش محل رفت و آمد شیعیان شد. نزدش می‌آمدند و از علوم و روایاتش بهره می‌گرفتند و عطر اهل بیت را از او می‌بوییدند و او را یادگاری از امامان خویش می‌دانستند.

حضرت عبدالعظیم(ع) میان شیعیان شهرری بسیار ارجمند بود و پاسخگویی به مسائل شرعی و حل مشکلات مذهبی آنان را برعهده داشت. این تأکید، هم گویای مقام برجسته اوست و هم می‌رساند که وی از طرف امام هادی(ع) در آن منطقه، وکالت و نمایندگی داشت و وجودش محور تجمع هواداران اهل بیت بود.

روزهای پایانی عمر پر برکت او با بیماری همراه بود و در همان روزها یک رؤیای صادقانه حوادث آینده را ترسیم کرد: یکی از شیعیان پاکدل ری، شبی در خواب، پیامبر اکرم(ص) را دید و حضرت به او فرمود: «فردا یکی از فرزندانم در محله سکه‌المولی چشم از جهان فرو می‌بندد. شیعیان او را بر دوش گرفته، به باغ عبدالجبار می‌برند و نزدیک درخت سیب به خاک می‌سپارند.» وی سحرگاه به باغ رفت تا آن را از صاحبش بخرد؛ اما عبدالجبار که خود نیز خوابی همانند او دیده بود، مجموعه باغ را وقف کرد تا بزرگان و شیعیان در آنجا دفن شوند و همین هم شد، چراکه سیدالکریم حضرت عبدالعظیم حسنی سرانجام به در 15 شوال سال 252 ه.ق در سن 79 سالگی وفات نمود و در این مکان به خاک سپرده شد.

حضرت عبدالعظیم در کلام امامان

زیارت حضرت عبدالعظیم(ع) از زمان ائمه علیهم‌السلام مورد توجه بود و در کلیه کتب زیارت به این موضوع اشاره شده و باب مخصوصی برایش باز کرده‌اند. چنانکه ابن قولویه در کامل‌الزیارات از شخصی رازی (اهل ری) نقل می‌کند که: خدمت امام هادی(ع) رسیدم و عرض کردم: به زیارت سیدالشهدا(ع) رفته بودم. فرمود: «اگر قبر عبدالعظیم را که در نزد شماست زیارت کرده بودی، مثل این بود که حسین بن علی(ع) را زیارت کرده باشی.» این حدیث را شیخ صدوق نیز در ثواب‌الاعمال روایت کرده است.

همچنین صاحب بن عباد در رساله خود گفته: ابوحماد رازی گوید: خدمت حضرت هادی(ع) رسیدم و از آن جناب مسألی پرسیدم. هنگامی که خواستم از محضرش بیرون بیایم، فرمود: «هرگاه مشکلاتی برایت پیش آمد، از عبدالعظیم حسنی بپرس و سلام مرا هم به او برسان.» ابونصر بخاری از امام حسن عسکری(ع) روایت کرده که در نزد آن جناب از عبدالعظیم حسنی صحبت به میان آمد، فرمود: «اگر عبدالعظیم نبود، می‌گفتم علی بن حسن بن زیدبن حسن فرزندی از خود باقی نگذاشته.»

نامه امام رضا(ع) به عبدالعظیم حسنی

شیخ مفید در کتاب خویش، پیام جامع، آموزنده و جالبی را از امام رضا(ع) آورده است که آن بزرگوار آن پیام را، به وسیله حضرت سیدالکریم عبدالعظیم حسنی(ع) به شیعیان و دوستان اهل بیت(ع) فرستاده‌اند.

متن پیام آن بزرگوار این است:

بسم الله الرحمن الرحيم

یا عبدالعظیم!

أَبْلَغُ عَنِّي أَوْلِيَايَ السَّلَامَ وَقُلْ لَهُمْ: أَنْ لَا يَجْعَلُوا لِلشَّيْطَانِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ سَبِيلًا، وَمُرَّهْمَ بِالْصَدَقِ فِي الْحَدِيثِ وَأَدَاءَ الْأَمَانَةِ، وَمُرَّهْمَ بِالسَّكُوتِ وَتَرْكِ الْجِدَالِ فِيمَا لَا يَعْنِيهِمْ، وَإِقْبَالَ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ وَالْمُزَاوَرَةَ، فَإِنَّ ذَلِكَ قَرَبَةٌ إِلَىَّ. وَلَا يَشْغَلُوا أَنْفُسَهُمْ بِتَمْزِيقِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا، فَإِنَّ آيَةَ عَلَى نَفْسِي أَنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ وَأَسْخَطَ وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِي دَعَوْتُ اللَّهَ لِيُعَذِّبَهُ فِي الدُّنْيَا أَشَدَّ الْعَذَابِ، وَكَانَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ. وَعَرَّفَهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لِمَحْسَنِهِمْ، وَتَجَاوَزَ عَنْ مَسِيئَتِهِمْ، إِلَّا مَنْ أَشْرَكَ بِهِ أَوْ أَذَى وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِي أَوْ أَضْمَرَ لَهُ سَوَاءً، فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ لَهُ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْهُ، فَإِنْ رَجَعَ وَإِلَّا تُرِعَ رُوحُ الْإِيمَانِ عَنْ قَلْبِهِ، وَخَرَجَ عَنْ وَلايَتِي، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ فِي وَلايَتِنَا، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ.

بنام خداوند بخشنده بخشایشگر

ای عبدالعظیم! سلام گرم مرا به دوستانم برسان و به آنان بگو: در دلهای خویش برای شیطان راهی نگشایند و آنان را به راستگویی در گفتار و ادای امانت و سکوت پرمعنا و ترک درگیری و جدال در کارهای بیهوده و بی فایده فراخوان و به صله رحم و رفت و آمد با یکدیگر و رابطه گرم و دوستانه با هم دعوت کن، چرا که این کار باعث تقرب به خدا و من و دیگر اولیاء اوست. دوستان ما نباید فرصتهای گرانبهای زندگی و وقت ارزشمند خود را به دشمنی با یکدیگر تلف کنند. من با خود عهد کرده‌ام که هر کس مرتکب اینگونه امور شود یا به یکی از دوستانم و رهروانم خشم کند و به او آسیب رساند از خدا بخواهم که او را به سخت‌ترین کیفر دنیوی مجازات کند و در آخرت نیز اینگونه افراد از زیانکاران خواهند بود.

به دوستان ما توجه ده که خدا نیکوکرداران آنان را مورد بخشایش خویش قرار داده و بدکاران آنان را جز، آنهایی که بدو شرک ورزند و یا یکی از دوستان ما را برنجانند و یا در دل نسبت به آنان کینه بیورند، همه را مورد عفو قرار خواهد داد اما از آن سه

گروه نخواهد گذشت و آنان را مورد بخشایش خویش قرار نخواهد داد. جز اینکه از نیت خود بازگردند و اگر از این اندیشه و عمل زشت خویش بازگردند، مورد آمرزش خواهند بود اما اگر همچنان باقی باشند، خداوند روح ایمان را برای همیشه از دل آنان خارج ساخته و از ولایت ما نیز بیرون خواهد برد و از دوستی ما اهل بیت(ع) نیز بی بهره خواهند بود و من از این لغزشها به خدا پناه می برم.»

حجت الاسلام قرائتی در سخنرانی در شرح این نامه گفتند: پیام امام رضا(ع)، پیام خیلی مهمی است. انگار این شفای دردهای امروز جامعه ماست. امام توصیه می کند که مردم راه شیطان را در خودشان باز نکنند. امام رضا(ع) به عبدالعظیم حسنی فرمود: به شیعه ها بگو دیدن همدیگر بروند. «فَإِنَّ ذَلِكَ قَرَبَةٌ إِلَى» اگر می خواهید به من نزدیک شوید، دیدن همدیگر بروید. «وَلَا يَشْعَلُوا أَنْفُسَهُمْ بِتَمْزِيقِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا» «تمزیق»، «كُلُّ مُمَزَّقٍ» (سبأ/7) در قرآن است. «تمزیق» یعنی تخریب. «وَلَا يَشْعَلُوا أَنْفُسَهُمْ بِتَمْزِيقِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا» همدیگر را خراب نکنید. «وَلَا يَشْعَلُوا» مشغول نکنید «تَمْزِيقِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا» او این را خراب می کند.

امام رضا(ع) فرمود: من نفرین می کنم به کسی که آبروی شیعیان را بریزد. تعهد کردم. که کسی که آبروی مؤمنی را بریزد، «دَعَا إِلَى اللَّهِ» دعا می کنم، که چه؟ «لِيُعَذِّبَهُ فِي الدُّنْيَا أَشَدَّ الْعَذَابِ» در دنیا به زندگی نکستی گرفتار شود «وَلَا كَانَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» خیلی امام رضا دلش درد می آید. امام رضا(ع) به عبدالعظیم حسنی(ع) فرمود: به شیعیان من بگو آبروی همدیگر را نریزید. من امام رضا(ع) نفرین کردم به کسی که آبروی کسی را بدون دلیل بریزد. اگر حتی تازه دلیل داری، شما حق نداری آبرویش را بریزی. باید به قوه قضاییه بگویی: بابا این پرونده! برد و خورد و هرچه دلیل داری از مسیرش اقدام کنید.

امام رضا فرمود: من تعهد کردم نفرین می کنم به کسی که آبروی شیعه را بریزد. «وَعَرَفَهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ عَقَرَ لِمُحْسِنِهِمْ وَتَجَاوَزَ عَنْ مُسِيئِهِمْ إِلَّا مَنْ أَشْرَكَ بِهِ» خداوند خوبها را می بخشد، از بدهای شیعیان بد هم می بخشد، مگر کسی که یا مشرک باشد، «أَوْ آذَى وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِي» الله اکبر! امام رضا فرمود: خدا همه شیعیان را می بخشد جز دو رقم شیعه! شیعه ای که مشرک شود. شیعه ای که مؤمنی را اذیت کند. «آذَى وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِي»

امام رضا فرمود: خدا شیعه را می بخشد جز دو گروه! شیعه ای که مشرک شود، «أَشْرَكَ بِهِ»، «أَوْ آذَى وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِي»، «أَوْ أَضْمَرَ لَهُ سُوءًا» یا در دلش بدخواه باشد. اصلاً دلش بخواهد فلانی خراب شود. یعنی در دلش بدخواه باشد. «فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ لَهُ حَتَّى يَرْجِعَ» خدا یک چنین آدمی را نمی بخشد، جز اینکه از اذیت کردن برگردد. «وَلَا تُزَعُ رُوحُ الْإِيمَانِ عَنْ قَلْبِهِ» کسی که مؤمنی را اذیت کند، مؤمنی را تخریب کند «تُزَعُ رُوحُ الْإِيمَانِ عَنْ قَلْبِهِ» خداوند روح ایمان را از قلبش می گیرد. کار به آیت الله و فوق دیپلم و لیسانس و دکتر ندارد.

امام رضا پیغام داد، آبروی همدیگر را نریزید. آبروی همدیگر را بریزید، نفرینتان می کنند. از ولایت خدا دور هستید. در همین دنیا عذاب شدید می شوید. در آخرت نصیبی ندارید. آبرو ریختن خیلی خطر دارد. این نکته ای است که امام رضا فرمود از طریق عبدالعظیم حسنی.

عبدالعظیم حسنی(ع) در کلام بزرگان و علما

نجاشی حضرت عبدالعظیم را صاحب خطب امیرالمؤمنین(ع) ذکر نموده است. میرزا حسین نوری در مستدرک الوسائل وی را به امانت و راستگویی و درستکاری می شناسد و اهل زهد و عبادت می داند و از قول امام هادی(ع) پاداش زیارت او را بهشت می داند. علامه حلی او را جزو ثقات و ممدوحین ذکر کرده و در خلاصه الاقوال می نویسد: «او کتابی راجع به خطبه های امیرالمؤمنین(ع) تألیف کرده، وی مردی عابد و پرهیزگار بود.» شیخ صدوق او را «مرضی» می شناسد که نهایت اعتمادش را می رساند.

میرداماد گوید: حضرت هادی(ع) به او فرمود: «تو به حق از دوستان ما هستی». این فرمایش جامعترین تعریف درباره حضرت عبدالعظیم با در نظر گرفتن شرافت، نسب و عظمت خانوادگی اوست و دلالت دارد که وی مردی شریف و بزرگواری و خوش نفس و خوش عقیده بود و اخباری که در زیارتش از امام هادی(ع) رسیده، شاهد گویایی از مقام ارجمندش در نزد اهل بیت است.

شیخ عبدالله ممقانی نوشته: «علت عدم تصریح محدثان و فقها به توثیق ایشان، جلالت و بزرگواری اش بوده؛ زیرا مقام ایشان والاتر از ثقه می باشد.» برقی که از روات مشهور شیعه است، گوید: «کان مرضیا» و این جمله حاکی از عظمت و بزرگواری و موقعیت عظیم او در نزد مشایخ اجازه است.

صاحب بن عباد می نویسد: ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب

عليهم السلام، صاحب ورع و تقوا و پرهیزگاری به شمار می‌رفت و معروف به امانت و درستکاری و راستگویی بود. او در امور دین آگاه، به مسائل مذهبی و احکام قرآن آشنا بود و حقائق دینی را درک می‌کرد و احادیث و روایات زیادی نقل کرده و از حضرت جواد و هادی علیهما السلام روایت می‌کند و آن دو بزرگوار مراسلات و توقیعاتی برای او نوشته‌اند. او تألیفاتی هم دارد که از آن جمله کتابی است به نام «یوم و ليله». عده‌ای از مشایخ حدیث و روایت از وی اخذ حدیث کرده‌اند؛ از جمله احمد برقی و ابوتراب رویانی.

علامه مجلسی گوید: «از مزارات مشهور، مرقد منور امامزاده واجب‌التعظیم عبدالعظیم حسنی است. او از اکابر و محدثین و اعظم علما و زهاد و عباد بود.» مرحوم شیخ عباس قمی در مفاتیح‌الجنان گوید: «امامزاده لازم‌التعظیم جناب عبدالعظیم، قبر شریفش در ری معلوم و مشهور است، و علو مقام و جلالت شأن آن حضرت اظهر من الشمس است؛ چه، آن جناب علاوه آنکه از دودمان حضرت خاتم النبیین(ص) است، از اکابر محدثین و اعظم علما و زهاد و عباد و صاحب ورع و تقواست.»

آثار به جا مانده از عبدالعظیم حسنی(ع)

حضرت عبدالعظیم(ع) جز قریب 80 حدیث که فعلاً در دست است، دو کتاب نیز تألیف نموده است. یکی از آنها کتابی است به نام «خط» که فرمایشات حضرت علی(ع) است و آنها در نهج البلاغه موجود است و دیگر، کتابی است به نام «یوم و ليله» که «صاحب بن عباد» محتوای آن را فرائض روز و شب ذکر نموده است.

کتابهایی درباره شخصیت حضرت عبدالعظیم حسنی(ع)

مهمترین کتابهایی که پیرامون زندگانی و شخصیت حضرت عبدالعظیم(ع) نگاشته شده، عبارتند از: جنت‌النعم (محمد باقر مازندرانی کجوری)، التذکره العظیمه (محمدابراهیم کلباسی)، جنات‌النعم فی احوال سیدنا الشریف عبدالعظیم (محمد اسماعیل کزازی اراکی)، مُسند حضرت عبدالعظیم (عزیزالله عطاردی)، شناخت‌نامه حضرت عبدالعظیم و شهرری (مهدی مهریزی و علی اکبر زمانی نژاد)، امامزادگان و زیارتگاههای ری (محمد قنبری)، عالمان و مشاهیر مدفون در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم (علیرضا هزار)، دانشمندان و عالمان ری (محسن صادقی)، زندگانی حضرت عبدالعظیم (محمدعلی سلطانی)، اختران فروزان ری، و نگین ری.